

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج محمد ابراهیم "حبیب زی"
اضلاع متحده - 14 جون 2013

رباعیات و دوبیتها

(قسمت 22)

یکطرف دل به من و دیگرش بر کوی دوست
دل میتپد به تپشگاه و رسیدن به شهر دل

آنجا که دل میرود دانم چه زیبا و نکوست
چشمان دل بر آرزوی لقاء و پیوند اوست

ز فطرت آدمی خورسند و شاد بود
ز بی علمی در جهاد، ناکام گردد

چو ایمان در قبالش در نهاد بود
چو علم و دین شمع فتح جهاد بود

سر به افلاک و قدم در مزرعه ناآشنا
سرفت است ثابت که ظالم زین دنیا میکند

نه در آن تدبیر و علم بود نه خواست خدا
تار و پود هر یکی را با عالم جور و جفا

دعایم سر نیامد مراد دل تو دادی
لطف و کرمت چه سترگ است ای خالق یکتا

آفت که به دور و بر آمد برباد تو دادی
هرکه به پایت سر نهاد دل شاد تو دادی

زبند و بار جهل گشتم جدا دل ز تهمت‌های نادان گشتم رها دل
باترک تعلق‌ات در سیر معنی به شهر الفت دل، آمد مرا دل

(ادامه دارد ان شاء الله)